

دوفصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن»
سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، پیاپی ۸
صص ۱۳۷-۱۵۸

معناشناسی واژه «کتاب» در قرآن بر پایه روابط هم‌نشینی

سیدمهدی لطفی*، سمانه میرسعیدی**

چکیده

واژه «کتاب»، یکی از مفاهیم اساسی قرآن است که از دیرباز مورد توجه قرآن‌پژوهان بوده است. این واژه ۲۳۱ مرتبه در قرآن ذکر شده و در هم‌نشینی با واژه‌های کلیدی همچون قرآن، حق، امام و حکمت قرار گرفته است. کاربرد وسیع این واژه در قرآن و پیوند آن با دیگر مفاهیم قرآنی، جایگاه خاص این واژه را در بین واژه‌های قرآنی و ضرورت تبیین مفهوم آن را روشن می‌سازد. با در نظر گرفتن روش معناشناسی به‌عنوان روشی سودمند در بررسی واژگان قرآنی، می‌توان به تبیین محورهای هم‌نشینی «کتاب» با دیگر واژه‌های قرآنی پرداخت. بررسی هم‌نشینی‌های کتاب حاکی از آن است که این واژه دارای سه نوع هم‌نشینی صفتی، فعلی و اسمی است. از هم‌نشینی بین کتاب و صفاتی همچون منیر، مبین، مسطور، کریم، عزیز، معلوم، مصدق، مکنون، حکیم و حفیظ، پنج معنای قرآن، کتب آسمانی، لوح محفوظ، نامه و اجل مقدر به دست می‌آید. هم‌نشینی «کتاب» با سیزده فعل نیز، چهار معنای قرآن، کتب آسمانی، تورات و نامه اعمال را در بردارد. همچنین «کتاب» با پنج واژه ام، اهل، امام و رحمت و تفصیل نیز هم‌نشینی شده است که نشان می‌دهد واژه «کتاب» در قرآن، در ترکیب اسمی خود دارای پنج معنای کتب آسمانی، لوح محفوظ، آیات محکم، تورات و قرآن است. مقاله حاضر با تکیه بر روش معناشناسی درصدد تبیین مفهوم واژه «کتاب» و گستره معنایی آن در قرآن است.

واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، کتاب، معناشناسی، روابط هم‌نشینی، هم‌نشینی‌های کتاب.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

m.lotfi@ltr.ui.ac.ir

s.mirsaedi@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه

گرفت که هر یک از ترکیب‌ها یا واحدهای مجاور این واژه، مفهومی از «کتاب» را در خود جای داده‌اند. این مقاله با بررسی هم‌نشین‌های صفتی، فعلی و اسمی «کتاب» درصدد بررسی معنایی این واژه است تا بتوان بر اساس این مطالعه مفهوم واژه «کتاب» و واژه‌های مرتبط با آن را روشن ساخت.

۱- معنای لغوی و اصطلاحی «کتاب»

واژه کتاب از ماده (ک ت ب) گاه به معنای مصدری «نوشتن» و گاه به معنای اسم مفعول «مکتوب» به کار رفته است. لغویان درباره معنا و مفهوم این واژه دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. برخی از لغویان کتب را به معنای جمع و ضمیمه کردن دو چیز می‌دانند. لذا «کَتَبْتُ السَّقَاءَ» را به صورت «دو طرف مشک را جمع کردم»، معنا کرده‌اند. بنابراین، در عرف اهل زبان «کتاب» به معنای متصل کردن و ضمیمه کردن بعضی از حروف به بعض دیگر با خط و نوشتن است. پس اصل در کتابت یا نوشتن منظم نمودن خط است، در نتیجه اطلاق «کتاب» به کلام خداوند «هرچند که نوشته نشده باشد» از باب استعاره است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۴۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۷۰۱؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۹۹).

برخی از لغویان بیان کرده‌اند که ماده «کتب» به معنای تثبیت و ثبات است. همان‌گونه که در مشک را می‌بندیم و آنرا ثابت می‌کنیم. بنابراین، در عرف اهل زبان «کتابت» به معنای تقریر و تثبیت آنچه قصدشده، می‌باشد. از نظر ایشان، تعبیر واژه «کتاب» بر قرآن بدین جهت است که احکام و قوانین قرآن تا قیامت پابرجاست و محتویات و مضامین آن، ثابت

واژه «کتاب» از ریشه «کَتَبَ»، به معنای نوشتن است و «کتاب» شامل هر چیز مادی و معنوی است که امور در آن ضبط، جمع و حفظ می‌شود. به طور کلی در قرآن کریم ۳۱۹ بار ماده «ک ت ب» و مشتقات آن در ساختارهای گوناگون در معانی مختلف به کار رفته که حاکی از اهمیت این واژه است. یکی از مباحث مهمی که درباره این واژه در قرآن مطرح است، مفهوم و گستره معنایی آن است. برای این واژه برخی ۱۴ وجه معنایی (نیشابوری، ۱۳۸۰، ص ۴۷۹)، برخی ۱۲ و یا ۱۱ وجه معنایی را بیان کرده‌اند (دامغانی، ۱۹۷۷، ص ۴۰۰؛ ابن جوزی، ۱۴۰۷، ص ۵۲۵). یکی از دلایلی که تا این اندازه لفظ «کتاب» بر معانی مختلف اطلاق شده، هم‌نشین شدن آن با واژه‌های دیگر است. برای بررسی هم‌نشین‌های کتاب و دست یافتن به وجوه معنایی آن می‌توان از معناشناسی بهره برد که یکی از کارآمدترین روش‌ها برای بررسی معناست.

معناشناسی، مطالعه انتقال معنی از طریق زبان است (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۳۴). در واقع معناشناسی زبانی با آن معنای قراردادی سروکار دارد که با استفاده از آن، واژه‌ها، عبارات و جملات زبان منتقل می‌شود (جورج یول، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸). یکی از مباحث معناشناسی بررسی روابط هم‌نشینی بین واژه‌هاست. واحدهای هم‌نشین واحدهایی هستند که انتقال معنا بین آن‌ها صورت می‌گیرد؛ یعنی در اثر انتقال معنا یک واحد، مفهوم واحد مجاور خود را در برمی‌گیرد و گاه این انتقال تا جایی است که حضور واحد مجاور را حشو می‌سازد (صفوی، ۱۳۷۹، صص ۲۴۵-۲۴۶). بر این اساس در بین واژه‌هایی که در مجاورت واژه «کتاب» قرار گرفته‌اند می‌توان رابطه‌ای این‌گونه در نظر

شده‌است. زرکشی معتقد است که قرآن از آن جهت «کتاب» نامیده شده‌است که انواع قصص، آیات، احکام، اخبار و معارف را به گونه‌ای ویژه در خود جمع کرده‌است (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۷۳). صبحی‌صالح در ضمن اشاره به نام‌های قرآن، در این باره بیان می‌کند که عنوان «کتاب» برای قرآن اشاره به جمع و فراهم آوردن آن در سطور است؛ چون کتابت به معنی جمع حروف و رسم و شکل دادن الفاظ است (صبحی‌صالح، ۱۳۷۲، ص ۱۷). اما کسانی که ماده اصلی «کتاب» را به معنای ثبوت و اظهار دانسته‌اند، در سبب اطلاق آن به قرآن بیان داشته‌اند که چون قرآن ثابت در تمام عوالم و جامع جمیع معارف و کمالات است، بدان کتاب گفته شده‌است، و وصف قرآن به «کتاب» اشاره‌است به تثبیت احکام، استواری مفاهیم و تحقق محتوایی و مضامین آن در قلوب مؤمنان، بدانسان که هیچ شکی را بر نمی‌تابد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۲۰-۲۳)

۲- هم‌نشینی‌های «کتاب» در قرآن

واژه‌های مختلفی با کتاب هم‌نشینی شده که در این مقاله پر بسامدترین زوج‌های معنایی، به عنوان هم‌نشینی‌های اصلی کتاب انتخاب گردیده‌اند. بر اساس بررسی آماری، پر کاربردترین مفاهیم هم‌نشینی «کتاب» در سه دسته هم‌نشینی‌های صفتی، فعلی و اسمی قابل بررسی است.

۲-۱- هم‌نشینی‌های صفتی «کتاب» در قرآن

واژه «کتاب» در تمام موارد به کار رفته در قرآن با هم‌نشینی‌هایش یک زوج معنایی را تشکیل می‌دهند که دارای رابطه معنایی هستند. طبق بررسی آماری،

است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۲۰-۲۳). عده دیگری از لغویان نیز معتقدند که ماده «کتاب» در اصل، به معنای «نوشتن» است. در عرف اهل زبان «کتاب» صحیفه‌ای است که در آن نوشته می‌شود. به همین جهت به قرآن و تورات واژه «کتاب» اطلاق می‌گردد و استعمال ماده «کتاب» و مشتقات آن در معانی بستن، بخیه‌زدن مشک و مانند آن از باب «مجاز» است (زمخشری، ۱۹۷۹، ص ۵۳۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، صص ۳۵۱-۳۵۴).

واژه «کتاب» و مشتقات آن در منابع لغت علاوه بر معانی اصلی جمع، تثبیت و نوشتن بر «حکم، تقدیر، فرض و عزم» نیز اطلاق شده‌است. دیدگاه لغویان درباره علت اطلاق «کتاب» بر معانی فوق متفاوت است. برخی از لغویان معتقدند که اطلاق واژه «کتاب» بر معانی فوق از باب مجاز است (زمخشری، ۱۹۷۹، ص ۵۳۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، صص ۳۵۱-۳۵۴) و عده‌ای دیگر نیز بیان کرده‌اند که معانی فوق از مصادیق معانی اصلی هستند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۷۰۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۵۸-۱۵۹).

به نظر می‌رسد که واژه «کتاب»، به لحاظ صرفی «مصدر غیر قیاسی» است که به سبب کثرت استعمال، اسمی برای مجموعه‌ای مکتوب و صحیفه‌ای که مشتمل بر نوشته‌هاست، شده‌است؛ زیرا هدف نگاه کردن به آن چیزی است که نوشته شده‌است. به عبارت دیگر صفحه مادی که کلمات بر آن نقش بسته‌اند، اهمیتی ندارد و آنچه مکتوب در آن است، اهمیت دارد. چنان‌که بدون دقت روی چه چیزی نوشته شده‌است، به «نوشته» آن نگاه می‌کنیم.

درباره اطلاق واژه «کتاب» بر قرآن از سوی قرآن‌پژوهان و مفسران نیز اقوال متعددی بیان

ص ۳۷۹) و گروهی هر دو معنا را دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳) مطابق نظر علامه طباطبایی قرآن در جایی از کتاب مبین سخن گفته‌است که به دنبال بیان احاطه علمی پروردگار به اعیان موجودات و حوادث جاری محسوس و غیر محسوس جهان است. این کتاب، کتابی است که تمام موجودات واقع در عالم صنع را برشمرده، و آنچه را که بوده و هست و خواهد بود را بدون این که چیزی از قلم بیفتد، احصاء کرده‌است. به احتمال زیاد این کتاب مرتبه واقعی اشیاء و تحقق خارجی آنهاست که تغییری در آن راه نمی‌یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، صص ۱۲۷-۱۲۸).

استعمال واژه مبین در قرآن به دو گونه است: یکی تجلی‌گاه علم فعلی خداوند قبل، حین و پس از خلق به مخلوقات به نحو تفصیلی و دیگری خود قرآن کریم ملفوظ با زبان عربی، که از آن مرکز علمی استخراج و تحقق یافته‌است و نباید این دو کاربرد را با هم خلط نمود. در واقع مبین به معنای «آشکارا»، یکی از صفات «کتاب» است و خداوند با این توصیف می‌خواهد هر چه بیشتر کتاب خود را به مردم معرفی نماید و یکی دیگر از امتیازاتش را نسبت به دیگر کتاب‌ها اعم از کتب آسمانی و غیر آسمانی روشن نماید؛ زیرا هدایت‌ها و دستورات هیچ کتابی همانند قرآن آشکار نیست.

۲-۱-۲. منیر

«منیر»، اسم فاعل از «اناره»، به معنای تابان و روشنی‌بخش است. این واژه از مشتقات واژه نور است. برای نور تعریف‌های مختلفی ذکر شده‌است که برخی از این تعاریف، فقط بر نور حسی دلالت دارد؛ مانند این که گفته‌اند: نور پرتوهایی است که پراکنده

بیشترین صفاتی که با «کتاب» هم‌نشین شده‌اند، عبارت‌است از: مبین ۱۲ مرتبه، منیر ۶ مرتبه، مسطور ۳ مرتبه، حکیم ۲ مرتبه، عزیز ۱ مرتبه، مکنون ۱ مرتبه، کریم ۱ مرتبه، حفیظ ۱ مرتبه، مصدق ۴ مرتبه، معلوم ۱ مرتبه.

۲-۱-۱. مبین

واژه مبین برای حدفاصل میان دو چیز یا وسط آنها وضع شده‌است «بَانَ كَذَا»، یعنی جدا شد، و هر چه از او پنهان بود، ظاهر گردید و چون معنی جدا شدن و آشکار شدن دارد در مورد هر چیزی که جدا و منفرد است، به کار می‌رود (راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۵۷). واژه مبین و مشتقات آن در ۱۲۴ سوره از قرآن به کار رفته‌اند. این واژه در اثر هم‌نشین شدن با واژگان و کلمات دیگر، معانی و مفاهیم جدیدی را در قرآن به دست می‌دهد. از جمله هم‌نشین‌های این واژه در قرآن: عدو، ضلال، کتاب، سحر، فوز، ثعبان، نذیر، ساحر، سلطان، قرآن، شهاب، امام، خصیم، خسران، افک، حق، شیء، عربی، فضل، مضل، غوی، اثم، افق، بلاء، رسول، دخان، کفور، نفس، نور و فتح است.

واژه مبین ۱۲ مرتبه همراه با «کتاب» آمده‌است که در پنج مورد به صورت معرفه و در هفت مورد به صورت نکره به کار رفته‌است. این وصف دلالت بر نحوه بیان و ویژگی‌های ساختاری «کتاب» دارد؛ زیرا این کتاب همه حقایقی را که بشر باید از آن آگاه باشد و بدون آن نمی‌تواند راه سعادت را طی کند، روشن می‌کند.

در بین مفسران برخی کتاب مبین را علم الهی (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۱۲)، برخی لوح محفوظ (طبرسی، ج ۴، ۴۸۲؛ مبلدی، ۱۳۷۱، ج ۳،

مصدر آن حکم است، به معنی قضاوت کردن است «حَکَمَ فلان» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۹۲؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۴۹؛ ابن منظور، ج ۱۲، ص ۱۴۱)؛ یعنی امرش را به او واگذاشت، و از او قضاوت و داوری خواست. ۳- سومین معنی واژه حکم، محکم بودن است. و حکیم یعنی کسی که در امور محکم کاری می‌کند و امور را محکم و متقن انجام می‌دهد و «أَحکَمَتِ الشَّيْءَ»؛ یعنی آن چیز محکم شد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۴۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۴۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۴۷)

واژه حکیم و مشتقاتش ۹۷ مرتبه در قرآن تکرار شده است؛ این واژه نیز مانند دیگر واژگان در قرآن بر اثر هم‌نشینی شدن با واژگان دیگر، معانی جدیدی به دست آورده است. دامغانی در قاموس القرآن ۵ وجه معنایی برای حکیم بیان کرده است (دامغانی، ۱۹۷۷، ص ۱۴۱) از جمله هم‌نشینی‌های کلمه حکیم در قرآن می‌توان به «علی، علیم، عزیز، واسع، ذکر، خبیر، کتاب، تنزیل، الله، رب، تواب و امر» اشاره کرد که از میان تعبیر مذکور تنها صفات «علی، عزیز، تنزیل و اسم جلاله الله» با واژه «کتاب» اشتراک دارند. در سه سوره از سوره‌های قرآن، وصف حکیم برای کتاب آمده است که در دو آیه اول سوره یونس و آیه دوم سوره لقمان به صورت معرفی ذکر شده است: «الر تَلْکَءَ آيَاتِ الْکِتَابِ الْحَکِيمِ» (یونس: ۱-۲) و «تِلْکَءَ آيَاتِ الْکِتَابِ الْحَکِيمِ» (لقمان: ۲).

۲-۱-۴. مسطور

منظور از مسطور؛ ثابت و محفوظ شده در کتاب است. علاوه بر آن معانی دیگری همچون نوشتن، خط، صف را نیز برای این واژه بیان کرده‌اند. (ابن منظور،

می‌شود و به دیدن کمک می‌کند و بعضی دیگر می‌گویند: نور، همان چیزی است که اشیاء را آشکار می‌کند و حقیقت اشیاء را به چشم نشان می‌دهد. تعریف مشهوری که برای نور آورده‌اند، این است که نور چیزی است که به ذات خود ظاهر باشد و غیر را هم ظاهر سازد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۴۰؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۲۵؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۸۲۷).

واژه «منیر»، در ۶ آیه از آیات قرآن به کار رفته است که با توجه به کلمات هم‌نشین آن، مؤلفه معنایی خاص خود را دارد. از جمله هم‌نشینی‌های این واژه می‌توان به «سراج، قمر، کتاب، تکذیب و مجادله» اشاره کرد.

بیشترین کاربرد صفت «منیر»، همراه با واژه «کتاب» بوده است. به این صورت که در ۴ آیه از آیات قرآن کلمه منیر برای کتاب به صورت صفت به کار برده شده است: «برخی از مردم بدون هیچ دانش و راهنمایی و کتاب روشن درباره خدا مجادله می‌کنند» (حج: ۸؛ لقمان: ۲۰) و پیامبرانی که با دلایل آشکار و نوشته‌ها و کتاب روشن آمده‌اند، را تکذیب می‌کنند (فاطر: ۲۵؛ آل عمران: ۱۸۴)

۲-۱-۳. حکیم

لغویان برای واژه «حکیم» سه معنا بیان کرده‌اند: ۱- اصل واژه حَکَم و واژه‌های هم‌ریشه آن به معنای منع است. از این رو به دهانه و افسار حیوانات «حَکَمَه الدَّابَّة» گفته می‌شود؛ زیرا لگام حیوان است که مانع سرکشی و عامل رام شدن آن است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۴۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۹۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۴۴) ۲- معنای دیگر واژه حَکَم که

همانند آیه «عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَ لَا يَنْسِي» (طه: ۵۲)

صفت حفیظ در آیه از آیات قرآن ذکر شده که در اثر هم‌نشین شدن این واژه با دیگر واژه‌ها، معانی جدیدی نیز به دست می‌آید. از جمله هم‌نشین‌های این واژه می‌توان به «رب، شیء، علیم، الله، کتاب و اواب» اشاره کرد. برای نمونه می‌توان به آیه ۴ سوره ق اشاره کرد. مفسرین در ذیل آیه «وَ عِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ» به هر دو معنای آن، یعنی حافظ و محفوظ اشاره کرده‌اند. (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۱۲۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۳۹).

۲-۱-۶. مکنون

کن (بفتح اول) و کنون به معنی پوشانیدن و محفوظ داشتن «كُنَّ الشَّيْءُ كُنًّا وَ كُنُونًا، ستره فی كَنَّة و غطاء و اخفاء» کن (بکسر کاف) آن است که چیزی در آن محفوظ گردد، جمع آن اکنه و اکنان است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۳۶۱؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۴۲). مکنون تنها در ۴ آیه از آیات قرآن تکرار شده که در این آیات با سه واژه بیض، لؤلؤ و کتاب هم‌نشین شده است. بررسی تک تک این واژگان، در درک مفهوم واقعی مکنون تأثیر بسزایی دارد. در آیه ۷۷ و ۷۸ سوره واقعه عبارت کتاب مکنون ذکر شده است: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ» (واقعه: ۷۷-۷۸) بر اساس این آیه، قرآن در کتابی پوشیده است، «کتاب» نکره، است و «فی» ظرف است، یعنی قرآن در یک کتاب پوشیده، به صورت یکجا نازل شده است. همچنین بیان شده است که مقصود از کتاب مکنون، لوح محفوظ است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۹، ص ۴۳۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۴۱).

۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۶۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۳۰؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۴۰۹) مصطفوی در شرح این واژه آورده است که منظور از کتاب مسطور به طور مطلق آن چیزی است که در کتاب نوشته می‌شود و امور و جریانات واقعی و احکام حقه و مقدرات مربوطه در آن ضبط می‌گردد و آن کتاب تکوینی و تدوینی و انفسی است که همه امور مربوطه در آن ضبط می‌شود به عنوان مثال قرآن کتاب تدوینی است که تمام احکام تکلیفی و ضوابط اخلاقی و معارف الهی در آن نوشته شده است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۱۲۴).

واژه مسطور، در ۳ آیه از آیات قرآن به کار رفته است. این واژه در آیات دوم سوره طور، ششم سوره احزاب و پنجاه و هشتم سوره اسراء وصف کتاب قرار گرفته است که در هر سه آیه مذکور به معنای مکتوب و نوشته شده است.

۲-۱-۵. حفیظ

«حفظ»، در اصل بر مراعات چیزی دلالت می‌کند و در لغت ضد نسیان و به معنای نگاه داشتن چیزی در خاطر و غفلت نکردن از آن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۵۲؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۴۴). همچنین در معنای لغوی حفیظ ذکر شده، که این واژه به معنی حافظ و نگهدار است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۴۴۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۸۵) مثل این که گفته شود خدا برایشان حفیظ است یا «عِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ» (ق: ۴) همچنین این واژه به معنای محفوظ و نگاه داشته شده نیز هست (راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۴۵). به گونه‌ای که گفته می‌شود که اعمال ثبت شده در آن کتاب از بین نمی‌رود

۲-۱-۷. عزیز

کتاب بدان جهت است که هیچ‌یک از بندگان نمی‌توانند؛ مانند آن‌را بیاورند. و یا عزیز است به اعزاز از خدای تعالی و حفظ آن از تغییر و تبدیل (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۵۶۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۰۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۳۹۸). با توجه به معنای لغوی «عزیز» می‌توان بیان نمود که در آیه ۴۱ سوره فصلت؛ همان معنای غالب بودن و شکست‌ناپذیری اراده شده است. به بیان دیگر با در نظر گرفتن مفهوم ابتدای آیه که حکایت گروهی است که نسبت به قرآن کافر شده‌اند، در پایان آیه صفت عزیز در هم‌نشینی با کتاب قرار گرفته است، تا غالب بودن و شکست‌ناپذیری قرآن را نشان دهد.

۲-۱-۸. کریم

از ریشه کرم، در لغت به معنای صفوح (بخش‌اینده)، حسن و شریف است. کریم، صفت مشبه و دلالت بر دوام دارد. اصل معنای واژه کریم، بزرگواری و شرافت در ذات و یا اخلاق است. البته معنای دیگری همچون چشم‌پوشی از گناهان؛ انعام بر بندگان، عزت و برتری در ذات؛ بخشش و سخاوت نیز دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۷۱؛ راغب، ص ۷۰۷). این واژه در قرآن ۲۳ مرتبه تکرار شده است که در اثر هم‌نشینی شدن با واژگان دیگر، دارای معنای جدیدی شده است. دامغانی در وجوه و نظایر ۶ وجه معنایی برای این واژه بیان می‌کند. (دامغانی، ۱۹۷۷، ص ۴۰۲) از جمله کلماتی که با این واژه هم‌نشینی شده، می‌توان به «مغفره، رزق، ملک، عرش، زوج، کنوز، مقام و کتاب» اشاره کرد.

خداوند تنها در یک آیه با واژه کریم به توصیف کتاب پرداخته است: «إِنِّي أَلْقِي إِلَيْكَ كِتَابًا كَرِيمًا» (نمل:

عزیز در اصل به معنای شدت، قوت، غلبه و قهر است و این حالت مانع از شکست می‌شود. عزت، مخالف ذلت است و ذلت، سستی و کوچکی است، مانند: علی امر بعزه، یعنی بر امری غالب شد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۱۴) عزیز، یعنی نیرومندی که نتوان بر آن غالب شد و مقهور هم نمی‌شود، مانند: «... إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (عنکبوت: ۲۶) معنای دیگر عز، کمیاب شدن است. «تعزز اللحم»، یعنی گوشت کمیاب شد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۶۳). از دیگر معنای واژه عز، محکم و سفت بودن است، مانند «وَأِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ» (فصلت: ۴۱)، یعنی این کتابی است محکم و استوار (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۶۴) «ارض عزاز» به معنای زمین سخت گرفته شده (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۶۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۷۶)

«عزیز»، یکی از واژگان پر کاربرد در قرآن است و ۹۹ مرتبه در آیات قرآن تکرار شده است و تنها در یک آیه همراه با واژه «کتاب» آمده است. بنابراین واژه «عزیز» نیز در اثر هم‌نشینی شدن با کلمات دیگر، حوزه معنایی جدیدی را ترسیم می‌کند. این وجوه معنایی در اثر هم‌نشینی شدن این واژه با کلماتی همچون «حکیم، الله، علیم، قوی، صراط، حمید، رحیم، غفور، تنزیل، وهاب، غفار و کتاب» به وجود آمده است.

به عنوان نمونه می‌توان به آیه ۴۱ سوره فصلت اشاره کرد: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ»؛ برخی از مفسرین بیان کرده‌اند که عزیز در این آیه به معنای بی‌نظیر و یا منیع است، یعنی امتناع دارد از این که مغلوب چیزی شود و یا عزیز بودن

دو شرط نباشد سخن را به صادق بودن، توصیف نمی‌کنند. صدق و کذب علاوه بر این که در رابطه با اعتقاد ثابت به کار می‌رود، در مورد کار اعضا بدن نیز کاربرد دارد؛ مانند: «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ...» (احزاب: ۲۳) و همچنین تصدیق به چیزی که در آن تحقیق و پژوهش شده باشد، نیز گفته می‌شود. (راغب، ۱۴۱۲، ص ۴۷۸) تصدیق، اذعان و اعتقاد و راست‌دانستن مطلب و سخن است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۱۶)

تصدیق‌کننده و مُصَدِّق از دیگر صفاتی است که مجموعاً در ۲۰ آیه از آیات قرآن به کار رفته است. این صفات نیز در اثر هم‌نشین شدن با دیگر واژه‌های قرآن، معانی جدیدی به دست می‌دهند. دامغانی در وجوه و نظایر ۴ وجه معنایی برای این واژه بیان کرده است (دامغانی، ۱۹۷۷، ص ۲۷۶) کلماتی که با این صفات هم‌نشین شده‌اند عبارت است از «کتاب، رسول، مبارک، حق، تورات و موسی»

صفت «مُصَدِّق»، تنها در ۴ آیه از آیات مذکور در باهم‌آیی با واژه «کتاب» قرار گرفته است. به عنوان نمونه می‌توان به سوره انعام اشاره کرد: «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُمْ بَارِكُ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَكَتُبْنَا لَهُمُ الْفُورَى وَمَنْ حَوْلَهَا» (انعام: ۹۲). اکثر مفسرین بیان کرده‌اند که منظور از «کتاب» در این آیه قرآن است. خداوند در این آیه به توصیف کتاب پرداخته و چند وصف برای کتاب آورده که عبارت است از: نازل شده از جانب حق، مبارک، یعنی کثیرالخیر و دائم‌المنفعه، و همچنین تصدیق‌کننده کتب آسمانی قبل از آن و این کتاب با این اوصاف و ویژگی برای انذار مردم است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۶۵؛ طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۲۰۱).

۲۹) بسیاری از مفسرین کریم‌بودن کتاب در آیه ۲۹ سوره نمل را از سه جهت می‌دانند: ۱- به خاطر مضمون و محتوای آن ۲- به علت این که از جانب پادشاهی کریم فرستاده شده است ۳- برای این که مختوم می‌باشد. (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۵۵۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۴۳).

۲-۱-۹. معلوم

علم خلاف جهل و ادراک حقیقت چیزی است، مانند: «عَلِمْتُ الشَّيْءَ»، یعنی آن را شناختم (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴۱۸؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۸۰). واژه معلوم و جمع آن معلومات در ۱۳ سوره از قرآن آمده است. این صفت تنها در یک آیه هم‌نشین واژه کتاب شده است. واژه معلوم در اثر هم‌نشین شدن با کلمات دیگر حوزه معنایی خاصی به دست آورده است. از جمله هم‌نشین‌های این واژه، واژه‌هایی همچون «کتاب، وقت، یوم، رزق، مقام و حق» هستند. به عنوان نمونه می‌توان به سوره حجر اشاره کرد: «وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْنٍ إِلَّا وَ لَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ» (حجر: ۴). اکثر مفسرین مراد از «کتاب معلوم» در این آیه را اجل معین و زمان تغییر ناپذیر، دانسته‌اند (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۳۱۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۹۸) که فراموش شدنی هم نیست (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۲۴۹).

۲-۱-۱۰. مصدق

صدق، نقیض کذب و اصل آن به قوت در چیزی دلالت می‌کند خواه سخن باشد و یا غیر آن (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۱۹۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۳۹) همچنین صدق، مطابقت قول با نیت و یا چیزی که از آن خبر داده، است که اگر یکی از این

همان‌گونه که بیان شد، این اوصاف و ویژگی‌ها، معانی جدیدی از واژه «کتاب» را روشن می‌سازند. علاوه بر این، بررسی این اوصاف نشان‌دهنده چگونگی معرفی قرآن از خود است. به عبارت دیگر احصا و بررسی اوصاف و ویژگی‌های «کتاب»، دو نتیجه دستیابی به مولفه معنایی «کتاب» و درک چگونگی توصیف خداوند را در بردارد.

برخی از این ویژگی‌ها و اوصاف به شکل مفرد و برخی به صورت جمله بیان شده‌اند. عناوین و اوصاف یادشده از جهات مختلفی از قبیل معنا یا معانی لغوی و اصطلاحی، کاربرد هر یک از آن‌ها، ارتباطشان با یکدیگر، ساختار معناشناسی هر یک، علت تکرار آن‌ها می‌توانند مورد بررسی قرار بگیرند. عناوین و اوصافی که هم‌نشینی کتاب قرار گرفته‌اند را می‌توان به صورت‌های مختلف دسته‌بندی کرد:

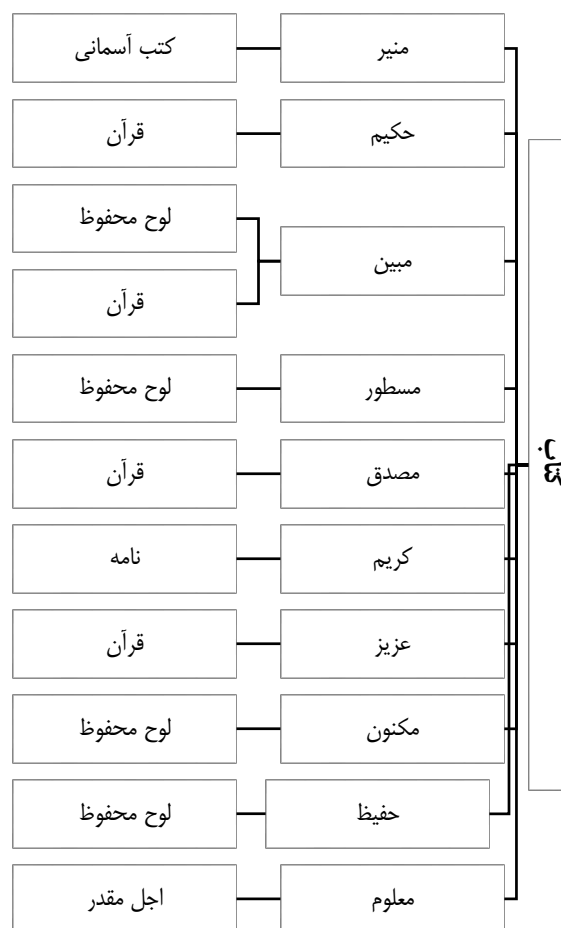
الف- اوصاف و ویژگی‌هایی که بیانگر نحوه بیان و ویژگی ساختاری «کتاب» هستند: از جمله «مبین»
ب- اوصافی که بیانگر اهمیت کتابند؛ همانند «عزیز»

ج- اوصافی که بیانگر ارتباط کتاب (قرآن) با دیگر کتب آسمانی است از جمله «تصدیق و مصدق»
د- اوصاف و ویژگی‌هایی که بیانگر صحت محتوا و اتقان مضامین و روشنی مفاهیم کتاب هستند؛ همانند «علم»

۲-۳- هم‌نشینی‌های فعلی «کتاب» در قرآن

هم‌نشینی‌های فعلی «کتاب» در سه گروه قابل بررسی هستند: دسته‌ای از افعال نحوه انتقال کتاب به انسان از جانب خداوند را بیان می‌کنند. دسته دیگری

۲-۲- تحلیل مفهوم کتاب بر محور هم‌نشینی‌های صفتی پس از بررسی ۱۰ صفت از مجموع صفاتی که در قرآن برای واژه «کتاب» به کار رفته‌است این نتیجه به دست می‌آید که واژه «کتاب» در اثر هم‌نشینی شدن با هر یک از صفات مذکور به یک معنا و مفهوم خاص اشاره می‌کند. در اثر هم‌نشینی شدن این ۱۰ صفت با واژه «کتاب» در قرآن، واژه «کتاب» دارای پنج معنا شده‌است: قرآن، کتب آسمانی، لوح محفوظ، نامه، اجل مقدر.



و روز بازپسین کفر ورزد، در حقیقت دچار گمراهی دور و درازی شده‌است (نساء: ۱۳۶).

۲-۳-۲. یمسکون

مسک و امساک؛ به معنی گرفتن و نگاه‌داشتن است. همچنین تمسک به معنی گرفتن و چنگ‌زدن است. (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۲۵۸). علاوه بر آن در معنای مسک و امساک، حفظ کردن، زندانی کردن و دل‌بستن به چیزی را آورده‌اند و همچنین معنای مانع شدن و به‌طور کنایه بخیل را نیز برای این واژه ذکر کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۴۸۸؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۷۶۸) طبرسی بیان کرده است: «امسک و مسک و تمسک و استمسک بالشیء» همه در معنا، یکی است و به معنای دست‌آویختن به آن چیز است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۷۹۲)

مسک و مشتقات آن در ۲۷ آیه از قرآن کریم به کار رفته‌است این واژه در زبان عربی و جوه فراوانی به خود گرفته و معانی متفاوتی یافته‌است. دامغانی در کتاب جوه و نظایر هفت وجه برای «مسک» آورده‌است (دامغانی، ۱۹۷۷، ص ۴۳۵). از دلایلی که تا این اندازه این واژه بر معانی مختلف اطلاق شده، هم‌نشین شدن آن با واژه‌های دیگر است که معانی آن لفظ را به خود گرفته و صاحب آن معانی شده‌است. از جمله این هم‌نشین‌ها می‌توان به «کتاب، رزق، خشیت، سماء و رحمت» اشاره کرد.

«تمسک»، یکی از واژه‌هایی است که با «کتاب» هم‌نشین شده و بیان‌کننده ویژگی مومنان در مواجهه با این کتاب است. و خداوند در سوره مبارکه اعراف به بیان این ویژگی می‌پردازد: «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ» (اعراف: ۱۷۰) آیه مذکور به خوبی نشان

از افعال، بیانگر واکنش مومنان در برابر کتاب هستند و دسته سوم واکنش کفار را بیان می‌دارد.

در بین افعالی که با «کتاب» هم‌نشین شده‌اند می‌توان به افعال «ءامن، یؤمنون، یمسکون، تتلون، قرء، یکتُمون، کذبوا، کفر، اختلفوا، نزل، جاء، اتی، وُضع و ذکر»، اشاره کرد.

۲-۳-۱. ءامن و یؤمنون

ماده امن به معنی آرامش نفس و از بین رفتن ترس است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۸۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۱). ابن فارس، دو ریشه برای این ماده معرفی کرده‌است: یکی امانت که ضد خیانت و باعث سکون قلب است و دیگری تصدیق (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۳) ءامن ۳۳ مرتبه و یؤمنون ۸۷ مرتبه در قرآن تکرار شده‌اند و هر دو با واژه‌های فراوانی هم‌نشین شده‌اند که باعث به‌وجود آمدن معانی جدید برای آن‌ها شده‌است. از پر بسامدترین کلمات هم‌نشین این دو واژه می‌توان به «غیب، الله، یوم‌الآخر، آیات، آخرت، قوم، رسول، و کتاب» اشاره کرد. همان‌گونه که بیان شد واژه «کتاب» یکی از هم‌نشین‌های این دو واژه است، که در دو آیه ۱۷۷ و ۲۸۵ سوره بقره و ۱۳۶ سوره نساء با ءامن و در دو آیه ۴۸ عنکبوت و ۱۱۹ آل عمران با یؤمنون آمده‌است. مومنان، افرادی هستند که کتابی را که از طرف خدا نازل شده، می‌پذیرند و به آن ایمان می‌آورند. خداوند در چند آیه مومن را معرفی می‌کند و می‌فرماید از نشانه‌های مومن این است که به خدا، روز قیامت، ملائکه و کتب آسمانی و همه انبیاء ایمان می‌آورد^۱ و هر کس به خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و پیامبران

۲-۳-۴. قرء

قرء، جمع کردن و ضمیمه کردن حروف و کلمات به یکدیگر است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۲۱۹). در اصطلاح به معنی نحوه خواندن الفاظ آیات قرآن کریم است. خواندن را از آن جهت قرائت گویند که در خواندن حروف و کلمات کنار هم جمع می‌شوند (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۶۰). قراءه، پیوستن و متصل نمودن بعضی از حروف و کلمات به بعضی دیگر در آشکارخواندن قرآن به صورت «ترتیل» است ولی به هر جمعی قراءت گفته نمی‌شود (راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۶۸).

قراءت و مشتقاتش به‌طور کلی ۱۷ مرتبه در قرآن کریم به‌کار رفته و از میان مشتقات آن یقروون در دو آیه (یونس: ۹۴؛ اسراء: ۷۱) و اقرأ در یک آیه (اسراء: ۱۴) و اقرؤا در یک آیه (حاقه: ۱۹) با واژه «کتاب» هم‌نشین شده‌است.

۲-۳-۵. یکتمون

کتَم و کتمان به معنی پنهان کردن؛ اخفاء و پوشانیدن آن چیزی است که حق و واقع باشد و انکار و ترک اظهار آن است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۷۰۲؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۶۶). مخفی و پنهان داشتن آنچه خداوند نازل کرده، یکی از کارهایی است که اهل کتاب انجام می‌دادند. درحالی که خداوند آن را گناه بزرگی معرفی می‌کند و برای آن مجازات سختی وعده داده‌است. آیات بسیاری بیانگر این واکنش کفار است. «کتَم» و مشتقاتش ۲۱ بار در قرآن به‌کار رفته‌است. این واژه نیز در زبان عربی وجوه مختلفی به خود گرفته و معانی متفاوتی یافته‌است. این واژه در قرآن کریم با کلمات فراوانی هم‌نشین شده که باعث

می‌دهد که اصلاح واقعی در روی زمین بدون تمسک به کتب آسمانی و فرمان‌های الهی، امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۲-۳-۳. تتلون

مصدر تلا، يتلو، یعنی قرائت توأم با تدبیر در معنا و پیروی کردن است. لغویان اصل در این کلمه را تبعیت و پیروی می‌دانند. راغب، بیان کرده‌است که متابعت گاهی به جسم و گاهی به پیروی در حکم است و مصدر آن «تَلُوْا و تَلُوْا» است و گاهی نیز با خواندن و با تدبیر هم‌معنی است و مصدر آن تلاوه است. بنابراین، خواندن آیات خدا و تدبیر در آن را از آن جهت تلاوه می‌گویند که در واقع متابعت از آن‌هاست، شخص قاری گویا در پی کلمات و معانی می‌رود (راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۶۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۹۳).

تلاوت و مشتقات آن ۶۳ بار در قرآن به‌کار رفته‌است. این واژه نیز در زبان عربی وجوه مختلفی به خود گرفته و معانی متفاوتی یافته‌است. این واژه در قرآن کریم با واژه‌های زیادی هم‌نشین شده‌اند که باعث به‌وجود آمدن معانی جدید برای آن شده‌است. از پر بسامدترین کلمات هم‌نشین آن می‌توان به «قرآن، شیطان، کتاب، صحف، موسی، بنی‌آدم، ابراهیم و ذکر» اشاره کرد. همان‌گونه که بیان شد واژه «کتاب» یکی از هم‌نشین‌های این واژه است. تلاوت کردن کتاب، یکی از شاخصه‌های اصلی مومنان است؛ زیرا به علت انسی که با آن دارند به تلاوت آن می‌پردازند و از دستورات آن بهره‌مند می‌شوند.^۲

معانی متفاوتی یافته و با واژه‌هایی همچون «کتب، طاغوت، ایمان، یوم‌القیامه، الله، ملائکه و رُسل هم‌نشین شده‌است.

خداوند می‌فرماید: «و هر که به خدا، فرشتگان، کتاب‌هایش، پیامبرانش و به روز قیامت کافر شود سخت در گمراهی افتاده‌است.» (۱۳۶: نساء) و همچنین در سوره بقره بیان می‌دارد: «آیا به بعضی از کتاب ایمان می‌آورید و بعض دیگر را انکار می‌کنید؟ پاداش کسی که چنین کند، در دنیا جز خواری نیست و در روز قیامت به سخت‌ترین وجه شکنجه می‌شود و خدا از آنچه می‌کنید، غافل نیست» (بقره: ۸۵).

۲-۳-۸. اختلفوا

«خَلْف»، به جسد و غذا زمانی که در آن تغییری ایجاد شده‌باشد، اطلاق می‌شود. همچنین به معنای سخن زشت و ناپسند و به کسی که جان‌نشین دیگری است، نیز به کار می‌رود. «خَلْف»، قومی که می‌روند و وسائل خود را برجای می‌گذارند و همچنین به نوعی از جان‌نشین که در آن شر نهفته شده‌باشد، نیز اطلاق می‌گردد. «استخلاف»، به معنی قرارداد کسی به جای دیگری است. «مخالفت و اختلاف» به معنی یکسان نبودن، اتفاق نداشتن و یا برگزیدن راهی غیر از راه دیگری است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، صص ۸۲-۹۶؛ راغب، ۱۴۱۲، صص ۲۹۳-۲۹۶). در فرهنگ قرآنی «اختلاف»، گاهی طبیعی و ممدوح است که از آن به اختلاف قبل از علم تعبیر می‌شود و گاهی نیز مذموم است که اختلاف بعد از علم نام دارد.

واژه «خَلْف» و مشتقاتش ۱۲۷ مرتبه در قرآن تکرار شده‌است. این واژه نیز در زبان عربی وجوه مختلفی به خود گرفته و معانی متفاوتی یافته و با واژه‌هایی

به وجود آمدن معانی جدید برای آن شده‌است. از پر بسامدترین کلمات هم‌نشین آن می‌توان به قرآن، شهادت، حق، ایمان، و کتاب اشاره کرد. واژه کتاب در دو آیه ۱۵۹ و ۱۷۴ سوره بقره هم‌نشین این واژه شده‌است.

۲-۳-۶. کذبوا

«کذب»، در لغت به معنای خیردادن از چیزی بر خلاف آنچه که هست، می‌باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۶۷؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۴۷) کذب به صورت فعل «کَذَبُوا» ۴۹ مرتبه در قرآن تکرار شده‌است. این واژه نیز در زبان عربی وجوه مختلفی به خود گرفته و معانی متفاوتی یافته‌است و در قرآن کریم با واژه‌هایی همچون «کتاب، آیات، لقاءالله، حق و رسل» هم‌نشین است.

تکذیب، همواره یکی از کارهایی بوده که کافران در مواجهه با کتاب خدا انجام می‌دادند و می‌خواستند با این کار خود و دنیای خود را از حقایق کتاب دور نگاه دارند و خداوند در قرآن در سوره غافر، آیه ۷۰ به این ویژگی اشاره می‌کند.

۲-۳-۷. کفر

واژه «کفر»، از نظر لغت‌شناسان عرب یک معنای کلی دارد و آن «پوشاندن» است. بر این اساس کفر در برابر ایمان به معنای پوشاندن و انکار حقایقی، از قبیل خدا، قیامت، نبوت پیامبران و آیات نازل شده بر پیامبران است (نک: راغب، ۱۴۱۲، ص ۷۱۴؛ مصطفوی،

۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۷۸)

واژه «کُفْرُ»، ۱۲ مرتبه در قرآن تکرار شده‌است. این واژه نیز در زبان عربی وجوه مختلفی به خود گرفته و

همراه با «أُنزِلَ» و در ۵ آیه با «نَزَّلَ» و در ۵ آیه با «تنزیل» هم‌نشینی شده است.

۲-۳-۱۰. اُتِيَ

«أُتِيَ» و «إِتْيَان» در اصل به معنای آمدن به آسانی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۱۳؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۰). «إِتْيَان»، به معنی آمدن و آوردن، در قرآن آمده است مانند «أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» (نحل: ۱)، یعنی امر خدا آمد و «وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ» (نساء: ۱۵)، یعنی زنانی که زنا می‌آورند (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۱).

واژه «آتینا» و مشتقاتش ۷۰ مرتبه، واژه «أوتوا» و مشتقاتش ۶۰ مرتبه، در قرآن تکرار شده است. این واژه نیز در زبان عربی وجوه مختلفی به خود گرفته و معانی متفاوتی یافته است. هر کدام از این واژگان در قرآن کریم با کلمات زیادی هم‌نشینی شده‌اند که از پر بسامدترین کلمات هم‌نشینی واژه «آتینا» می‌توان از «کتاب، موسی، عیسی بن مریم، آل ابراهیم، داوود، ثمود، حکم و علم، سلیمان، لقمان، سبعا من المثانی، انجیل، رحمة، اجر، ایمان، آیات و بیئات» یاد کرد. از جمله واژه‌های هم‌نشینی «أوتوا» می‌توان به «کتاب، علم، ایمان، موسی، عیسی، خیر و رسل» اشاره کرد.

همان‌گونه که بیان شد، یکی از هم‌نشینی‌های هر دو واژه «آتینا» و «أوتوا»، کتاب است. به عنوان نمونه فعل آتینا در آیات «۵۴، ۸۷، ۱۲۱ و ۱۴۶ سوره بقره؛ ۲۰، ۸۹، ۱۱۴ و ۱۵۴ سوره انعام؛ ۵۴ سوره نساء؛ ۴۵ سوره فصلت؛ ۴۹ سوره مومنون؛ ۲ سوره اسراء؛ ۲۳ سوره سجده؛ ۵۲ سوره رعد؛ ۴۳ و ۵۲ سوره قصص؛ ۳۵ سوره فرقان؛ ۱۱۷ سوره صافات» همراه «کتاب» آمده است.

همچون «ارث، الله، میعاد، ارض، لیل و نهار هم‌نشینی شده است. در آیه ۴۵ سوره فصلت، ۱۱۰ سوره هود و ۱۷۶ سوره بقره ریشه خلف با واژه «کتاب» در محور هم‌نشینی قرار گرفته‌اند.

۲-۳-۹. نَزَلَ

واژه «نزل»، ضد عروج و به معنای فرود آمدن و انتقال از بالا به پایین است. آنچه از گفتار لغویان به دست می‌آید این است که اصل ماده نزل به معنای هبوط و سقوط چیزی و پائین آمدن آن می‌باشد. چه این سقوط و هبوط از مقامی برتر و مافوق، به مقامی پائین‌تر و پست‌تر و یا از مکانی بالا به مکانی پائین‌تر بوده باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۶۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۸۶).

آیات فراوانی در قرآن کریم دلالت بر نزول قرآن از جانب باری تعالی می‌کند. واژه «نَزَّلَ» ۱۲ مرتبه، واژه «تنزیل» ۱۵ مرتبه، و واژه «أُنزِلَ» و مشتقاتش ۱۱۸ مرتبه در قرآن تکرار شده است. این واژه نیز در زبان عربی وجوه مختلفی به خود گرفته و معانی متفاوتی یافته است. هر کدام از این سه واژه در قرآن کریم با کلمات زیادی هم‌نشینی شده‌اند که از پر بسامدترین کلمات هم‌نشینی واژه «نَزَّلَ» می‌توان به «کتاب، رسول، الله، فرقان، سماء و احسن الحدیث» اشاره کرد. کلمات هم‌نشینی واژه «تنزیل» عبارتند از: «رب، کتاب، عزیز، رحمن و حکیم». کلمات هم‌نشینی «أُنزِلَ» شامل واژه‌های «الله، کتاب، تورات، فرقان، انجیل، سماء، ملائکه، رحمن، مبارک و آیات» است. به عنوان نمونه در ۲۹ آیه از آیات قرآن کریم این واژه به صورت مختلف با واژه «کتاب» هم‌نشینی شده است. در ۱۹ آیه

و در آیات «۱۰۱، ۱۴۴، ۱۴۵ سوره بقره؛ ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۱۰۰، ۱۸۶، ۱۸۷ سوره آل عمران؛ ۴۴، ۴۷، ۵۱ و ۳۱ سوره نساء؛ ۵ و ۵۷ سوره مائده؛ ۲۹ سوره توبه؛ ۱۶ سوره حدید؛ ۳۱ سوره مدثر؛ ۴ سوره بینه؛ ۷۱ سوره اسراء؛ ۱۹ و ۲۵ سوره حاقه؛ ۷ و ۱۱۰ سوره انشقاق، فعل «أوتوا» هم‌نشین کتاب شده است.

راغب بیان می‌دارد که هر کجا در قرآن در وصف کتاب، «آتینا» به کار رفته فصیح‌تر و بلیغ‌تر است؛ زیرا «أوتوا» در جایی به کار می‌رود که پذیرش و قبول طرف مقابل را نمی‌رساند. اما «آتینا» شایستگی و حالت پذیرش طرف مقابل را در بر دارد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۶۰).

۲-۳-۱۱. جاء

واژه «جاء» مثل واژه «اتیان»، به معنی آمدن است، ولی مفهوم واژه «مجیء» اعم از «اتیان» است، یعنی فراگیرتر است؛ زیرا «اتیان» به آسانی آمدن و نیز نوعی آمدن است که با قصد و هدف انجام می‌شود، هر چند که رسیدن به آن هدف میسر و ممکن نگردد. گفته می‌شود «جاء» برای آمدن اجسام و معانی هر دو به کار می‌رود، خواه آمدن ذات اجسام و خود آن‌ها باشد یا کار و مفاهیم آن‌ها، همچنین «جاء» درباره هر کسی که قصدش آمدن به مکانی و در زمانی باشد، نیز به کار می‌رود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۹۷؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۱۲). مصطفوی بیان می‌دارد، فرق دیگری که میان واژه «المجیء» و «الاتیان» وجود دارد این است که «المجیء» برای صاحب عقول یا آنچه که منتسب به اوست، به کار می‌رود و این برخلاف اتیان است که برای غیر ذی‌عقول به کار برده می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲،

صص ۱۴۷-۱۴۸) علاوه بر این مصطفوی و فیومی معنای حاضرشدن را نیز برای واژه «جاء» آورده‌اند (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۱۶؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۴۷)

واژه «جاء» و مشتقاتش ۲۸۲ بار، در قرآن تکرار شده است. هر کدام از این واژگان در قرآن کریم با کلمات فراوانی هم‌نشین شده‌اند که باعث به وجود آمدن معانی جدید برای آن شده است. از پر بسامدترین کلمات هم‌نشین واژه «جاء» می‌توان به «کتاب، موسی، حسنه، سیئه، أجل، رسول، سحره، أمر، عجل، رب، آل لوط، صدق، آل فرعون، رسل، آیات، بینه، علم، الله، یوسف و نذیر» اشاره کرد. به‌عنوان نمونه واژه «جاء» در آیات ۸۹ بقره، ۵۲ اعراف، با واژه «کتاب» هم‌نشین شده است.

۲-۳-۱۲. وُضِعَ

لغویان برای «وَضِعَ» معانی متفاوتی آورده‌اند؛ راغب «وَضِعَ» را به معنی پائین و فرو دین می‌داند که معنایش از حط و انحطاط فراگیرتر است. ابن منظور «وَضِعَ» را ضد رَفَع آورده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۳۹۶) و ابن فارس این واژه را هم معنای حَط و خَفَض می‌داند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۱۷).

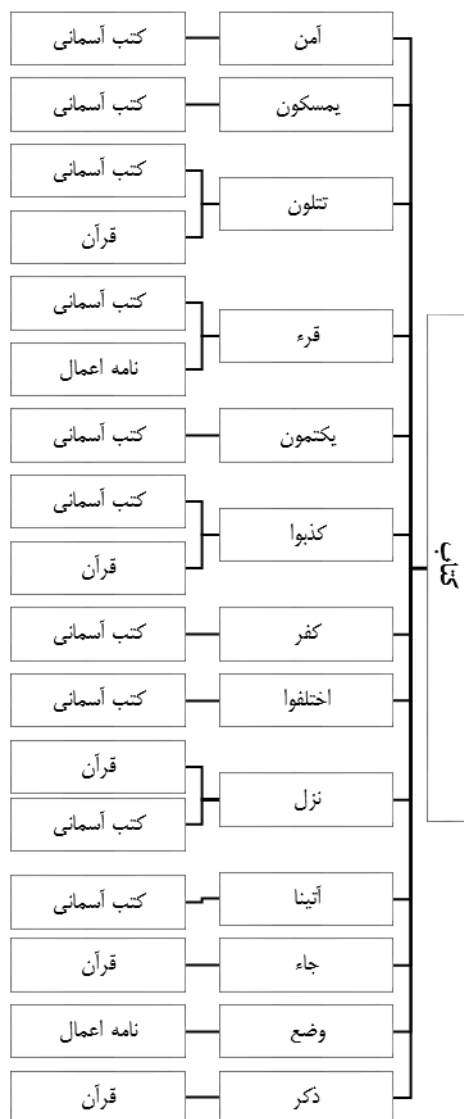
مصطفوی بیان کرده که اصل این واژه به معنای قراردادن چیزی در محل است، که این معنا با توجه به موارد مختلف و خصوصیات آن‌ها مختلف است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۱۳۱).

واژه «وَضِعَ» و مشتقاتش ۲۶ مرتبه، در قرآن تکرار شده است. این واژه نیز در زبان عربی وجوه مختلفی به خود گرفته و معانی متفاوتی یافته است. از پر

«ایوب، داوود، اسماعیل و ادريس» اشاره کرد. به‌عنوان نمونه می‌توان به آیات ۵۶، ۵۴، ۵۱، ۴۱، ۱۶ سوره مبارکه مریم اشاره کرد.

۲-۴- تحلیل مفهوم «کتاب» بر محور هم‌نشینی‌های فعلی

پس از بررسی ۱۳ فعل از مجموع افعالی که در قرآن همراه با واژه «کتاب» به‌کار رفته‌است، این نتیجه به‌دست می‌آید که واژه «کتاب» در اثر هم‌نشینی شدن با هر یک از افعال مذکور به یک معنا و مفهوم خاص اشاره می‌کند.



بسامدترین کلمات هم‌نشینی واژه «وضع» در قرآن می‌توان به «میزان، ناس و کتاب» اشاره کرد.

همان‌گونه که اشاره شد یکی از واژگانی که با «وضع» هم‌نشینی شده، واژه «کتاب» می‌باشد که به‌عنوان نمونه می‌توان به آیات ۶۹ سوره زمر و ۴۹ سوره کهف اشاره کرد. خداوند در این آیات بیان می‌دارد که کارنامه (عمل شما در میان) نهاده می‌شود، آنگاه بزهکاران را از آنچه در آن است بیمناک می‌بینی، و می‌گویند: «ای وای بر ما، این چه نامه‌ای است که هیچ (کار) کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، جز این‌که همه را به حساب آورده‌است.» پس از آن و پیامبران و شاهدان را بیاورند، و میانشان به حق داوری می‌کنند، به‌گونه‌ای که بر هیچ کس ستمی نمی‌شود.

۲-۳-۱۳ ذکر

فراهِیدی، برای این واژه معانی مانند به یاد آوردن چیزی، جاری شدن چیزی بر زبان، شرافت و خوش‌نامی، کتابی که تفصیل دین در آن آمده، نماز، و دعا و ثنا را ذکر کرده‌است (فراهِیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۴۶). دیگر لغت‌شناسان نیز به معانی همچون علو و شرف و خوش‌آوازی اشاره دارند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۵۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۰۸).

«ذکر» یکی دیگر از واژگان مورد استفاده قرآن می‌باشد که به همراه مشتقاتش به تناسب مضامین و مفاهیم آیات ۲۹۲ مرتبه به‌کار رفته‌است. این واژه نیز در زبان عربی وجوه مختلفی به خود گرفته و معانی متفاوتی یافته‌است. از میان مشتقات واژه «ذکر» فعل «أذکروا» با واژه «کتاب» هم‌نشینی شده‌است؛ علاوه بر آن از دیگر واژگان هم‌نشینی این فعل می‌توان به

۲-۵-۲. ام‌الکتاب

ابن‌فارس «أمّ» را دارای ۴ معنای نزدیک به هم دانسته‌است: اصل، مرجع، جماعت و دین (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ص ۲۱). ابن‌منظور طریقه و دین را در معنای «أمّ» بیان کرده‌است و «أمّ» هر چیزی را اصل آن می‌داند و منظور از «أم‌الکتاب» اصل کتاب است که به آن لوح محفوظ گفته می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۳۲)

واژه «أمّ» ۹ مرتبه در قرآن تکرار شده‌است. این واژه نیز در اثر هم‌نشین شدن با واژگان دیگر در زبان عربی وجوه مختلفی به خود گرفته و معانی متفاوتی یافته‌است. دامغانی در کتاب وجوه و نظایر پنج وجه برای آن آورده‌است (دامغانی، ۱۹۷۷، ص ۴۱). این واژه در قرآن کریم با واژه‌های فراوانی هم‌نشین شده‌اند که باعث به وجود آمدن معانی جدید برای آن شده‌است. از پر بسامدترین کلمات هم‌نشین آن می‌توان به «کتاب، موسی، ابن، أم و القری» اشاره کرد.

همان‌گونه که بیان شد یکی از هم‌نشین‌های این واژه کلمه «کتاب» می‌باشد که در ۴ سوره زخرف، ۳۹ سوره رعد و ۷ سوره آل‌عمران با یکدیگر هم‌نشین شده‌اند.

۲-۵-۳. امام و رحمت

«امام» از ریشه لغوی أمّ (به فتح) به معنای قصد و توجه کامل به مقصود است به گونه‌ای که دیگر اغراض و هدف‌ها فراموش شود. امام به معنای شخصی است که الگو و اسوه و مقتدای دیگران باشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۴؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۴۲۸؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۸۷؛

در اثر هم‌نشین شدن این ۱۳ فعل با واژه «کتاب» در قرآن، واژه کتاب دارای چهار معنا شده‌است؛ از جمله: «قرآن، کتب آسمانی، تورات نامه اعمال».

۲-۵-۲. هم‌نشین‌های اسمی واژه «کتاب»

علاوه بر هم‌نشین‌های وصفی و فعلی، هم‌نشین‌های اسمی واژه «کتاب» نیز مورد بررسی قرار گرفته‌است که در این گروه یک اسم همراه با واژه «کتاب» به صورت «مضاف و مضاف الیه» آمده‌است.

۲-۵-۱. اهل‌الکتاب

«اهل» در لغت به معنای سزاوار و شایسته، خاندان، خانواده، انس، اختصاص و تعلق داشتن به چیزی است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۹۶؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۷۱) از این رو با اضافه شدن به کتاب معنای «وابستگان به کتاب» می‌دهد. منظور از کتابی یا اهل کتاب، کسی است که به یکی از کتاب‌های آسمانی؛ غیر قرآن ایمان دارد.

واژه اهل ۵۴ مرتبه در قرآن کریم تکرار شده‌است. این واژه نیز در زبان عربی وجوه مختلفی به خود گرفته و معانی متفاوتی یافته‌است. این واژه در قرآن کریم با کلمات بی‌شماری هم‌نشین شده که باعث به وجود آمدن معانی جدیدی برای آن شده‌است. بیشترین واژگان هم‌نشین اهل عبارت است از «کتاب، انجیل، مدینه، بیت، ذکر، قریه، یثرب، نار، تقوی»

اصطلاح اهل کتاب ۳۲ مرتبه در ۳۲ آیه از ۹ سوره قرآن و بیش از همه در سوره آل‌عمران به کار رفته‌است.^۳

۲-۵-۴. تفصیل

از ماده «فصل» به معنای بریدن و جدا کردن و تمییزدادن است که گاهی در امور حسی به کار می‌رود و بر فاصله‌انداختن میان دو امر مادی و محسوس دلالت دارد؛ و گاهی در امور اعتباری، مانند قضاوت؛ و گاهی در امور معنوی، مانند جداکردن حق از باطل استعمال می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۷۶؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۷۴) تفصیل بر وزن تفعیل دلالت بر کثرت می‌کند.

واژه تفصیل و مشتقاتش در ۴۳ آیه از آیات قرآن کریم آمده‌است. این واژه نیز بیانگر ویژگی قرآن در نحوه بیان است. بررسی هم‌نشینی‌های این واژه می‌تواند معنای آن را روشن‌تر نماید. واژگانی که با این کلمه هم‌نشینی شده عبارت است از «کتاب، شیء، موعظه و فعل فَصَلْنَا» این صفت تنها در ۴ آیه از آیات قرآن با واژه «کتاب» هم‌نشینی شده‌است: «و در حقیقت، ما برای آنان کتابی آوردیم که بدون تردید تصدیق‌کننده و توضیحی‌است برای کتب پیشین» (یونس: ۳۷). «و آن را از روی دانش، روشن و شیوایش ساخته‌ایم» (اعراف: ۵۲). «کسانی که کتاب [آسمانی] بدیشان داده‌بودیم؛ می‌دانند که آن از جانب پروردگار به حق فرورستاده شده‌است» (انعام/۱۱۴). «و این همان قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می‌دانند، به روشنی بیان شده‌است» (فصلت: ۳).

۲-۵-۵. حق

«حَقَّ» در اصل مطابقت، یکسانی، هماهنگی و درستی است. در معنای حق؛ ثابت، ضدّ و نقیض باطل را نیز آورده‌اند (قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۵۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۹؛ راغب، ۱۴۱۲،

قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۲۱) و رحمه از رحم، اصل واژه رَحِمَ به مشیمه و رحم زن اطلاق می‌گردد. رحم، دلالت به دلسوزی و مهربانی دارد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۹۸؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۳۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۷۰؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۴۷) مصطفوی در شرح این واژه بیان می‌کند که برای این واژه معانی مختلفی آمده‌است، از جمله: مهربانی، رأفت، لطف، مدارا، عطوفت، دوستی، شفقت، دلسوزی. اگرچه هیچ تفاوتی بین این معانی موجود نیست، ولی هر کدام اشاره به خصوصیتی دارند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۹۱)

واژه «امام»، یکی دیگر از واژه‌هایی است که در قرآن ۷ مرتبه تکرار شده‌است. این واژه نیز با واژه‌هایی همچون «مبین، ناس، کتاب موسی، رحمت و متقین» هم‌نشینی شده‌است. واژه «رحمت» نیز از دیگر واژگان پر کاربرد در قرآن کریم به‌شمار می‌رود که ۷۷ بار در آن تکرار شده‌است. از جمله هم‌نشینی‌های آن در قرآن می‌توان به واژه‌هایی همچون «بشارت، ایمان، برکات، شفاء، ذو(صاحب)، خزائن، ذکر، رب، الله، عالمین، مودت، ممسکات(مانع)، علم، خیر، هدایت، امام، رأفت، صلوات، تخفیف، مغفرت، کتاب موسی و فضل» اشاره کرد. در تمام مواردی که ذکر شد تنها در ۲ آیه هم‌نشینی کتاب قرار گرفته‌اند.

«کتابُ موسیَ إِمَامًا وَ رَحْمَةً» پیشوا و رحمت‌بودن کتاب موسی، به‌عنوان بیم‌دهنده به ستمگران و نویددهنده به نیکوکاران (هود: ۱۷؛ احقاف: ۱۲). خداوند در قرآن از نعمت‌هایی که به انسان عطا کرده به‌عنوان رحمه یاد کرده‌است. در آیات مذکور یکی از نعمت‌هایی که بیان شده، تورات است.

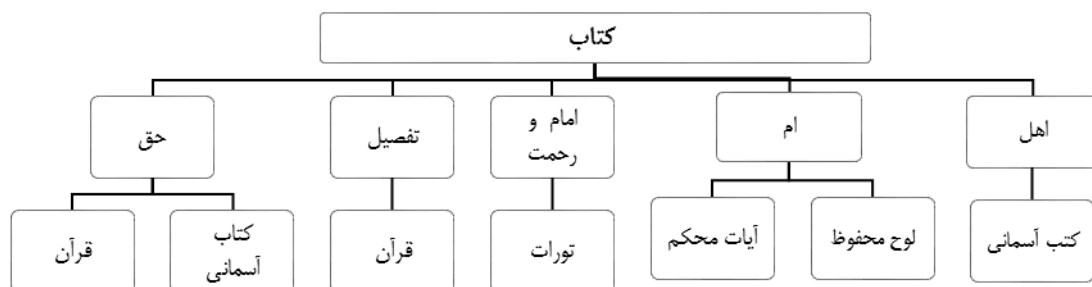
در ۸ آیه از آیات قرآن بلافاصله بعد از واژه «کتاب»، خداوند واژه «حق» را برای آن آورده است؛ زیرا خداوند کتاب را به حق نازل کرده است (بقره: ۱۷۶)؛ و آن کتاب حق را فرو فرستاد در حالی که تصدیق‌کننده کتب پیشین (آل عمران: ۳) و حاکم بر آن کتب بود (مائده: ۴۸) تا در میان مردم در آنچه که با هم اختلاف داشتند داوری (بقره: ۲۱۳) و حکم نماید (نساء: ۱۰۵) و هدف نزول کتاب حق را توحید و پرستش خداوند (زمر: ۲)؛ رهبری و هدایت مردم (زمر: ۴۱) و وسیله سنجش و میزان قرارداد (شوری: ۱۷).

۲-۶- تحلیل مفهوم «کتاب» بر محور هم‌نشینی‌های اسمی

پس از بررسی ۴ اسم از مجموع اسم‌هایی که در قرآن همراه با واژه «کتاب» به کار رفته است، می‌توان گفت: که واژه «کتاب» در اثر هم‌نشینی شدن با هر یک از این موارد مذکور به یک معنا و مفهوم خاص اشاره می‌کند. در اثر هم‌نشینی شدن این ۵ اسم با واژه «کتاب» در قرآن، این واژه دارای پنج معنا شده است؛ از جمله: کتب آسمانی، لوح محفوظ، آیات محکم، تورات، قرآن.

ص ۲۴۶) واژه «حق»، از جمله واژگانی است که با کلمه «کتاب» هم‌نشینی شده است. کاربرد «حق» در مورد کتاب یا به لحاظ حقایقی است که از آنها حکایت می‌کند؛ یا به لحاظ درست بودن، ادعای الهی بودن آن است.

واژه «حق» یکی از کلیدی‌ترین واژه‌های قرآن کریم است که ۲۳۰ بار در آن تکرار شده است و مفاهیم بسیاری را در آن ارزش‌گذاری کرده است. لفظ «حق» در زبان عربی وجوه فراوانی به خود گرفته و معانی متفاوتی یافته است. برای درک مفهوم واقعی «حق» و مولفه معنایی آن باید تمامی هم‌نشینی‌های آن را احصا کرد. هم‌نشینی‌های کلمه «حق» در قرآن عبارت است از: «الله، ولایت، مالک، رسول، کتاب، وزن، دین، قصص، کلمه، تقوی، خشیت، رضایت، عرفان، هدایت، اختلاف، غلو، ظن، تکذیب، اثم، بغی، تکبر، قتل، کفر، کتمان، علم، وحی، قدر، ارسال، تلاوت، تبیین، قول، اتیان، اقامه، خلقت، بشارت، دعوت، تنزیل، ایمان، مالک، امن، فتح، وقوع، وعده».



نتیجه‌گیری

هم‌نشینی‌های صفتی، فعلی و اسمی را برای این واژه شناسایی کرد.

۱- برای بررسی معنای «کتاب» و گستره مفهومی آن می‌توان بر اساس روابط هم‌نشینی سه دسته از

۵- بررسی ۱۳ فعل از مجموع افعالی که در قرآن همراه با واژه «کتاب» به کار رفته است، حاکی از آن است که این واژه در بخش فعلی دارای چهار معنای قرآن، کتب آسمانی، تورات و نامه اعمال است.

۶- دسته سوم از مولفه‌های معنایی «کتاب» هم‌نشینی‌های اسمی کتاب هستند که به صورت ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه)؛ ام‌الکتاب، اهل‌الکتاب، امام و رحمت، تفصیل و حق در قرآن به کار رفته‌اند و هر یک از این واژه‌ها در اثر هم‌نشینی با کتاب به یک معنا و مفهوم خاص اشاره می‌کنند.

۷- بررسی پنج اسم ام، اهل، امام و رحمت، تفصیل و حق که در قرآن همراه با واژه «کتاب» به کار رفته است، نشان می‌دهد که این واژه در قرآن، در ترکیب اسمی خود دارای پنج معنای کتب آسمانی، لوح محفوظ، آیات محکم، تورات و قرآن است.

۸- بررسی ۲۸ مورد از هم‌نشینی‌های مربوط به «کتاب» حاکی از آن است که بالغ بر نیمی از آیات اختصاص یافته به این واژه در قرآن بیانگر نحوه بیان، ویژگی ساختاری و اهمیت و ارتباط کتاب با دیگر کتب آسمانی است و نیم دیگر آیات به کافران و مومنان نسبت داده شده است و بیانگر عقیده آن‌هاست که واکنشی را در پی دارد.

پی‌نوشت

۱- نک: آل‌عمران: ۱۱۹؛ بقره: ۱۷۷ و ۲۸۵؛ عنکبوت: ۴۷.

۲- به عنوان نمونه می‌توان به آیات ۴۴، ۱۱۳، ۱۲۱ سوره بقره، ۲۹ فاطر و ۵۱ عنکبوت اشاره کرد.

۳- این آیات و سور عبارتند از سوره بقره ۱۰۹، ۱۰۵؛ سوره آل‌عمران ۱۹۹، ۱۱۳، ۱۱۰، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸.

۲- در دسته هم‌نشینی‌های صفتی، ویژگی‌ها و صفاتی برای «کتاب» در قرآن کریم ذکر شده است از قبیل: «کتاب مبین»؛ کتاب منیر، کتاب مسطور، کتاب کریم، کتاب عزیز، کتاب معلوم، کتاب مصدق، کتاب مکنون، کتاب حکیم، کتاب حفیظ». این اوصاف ویژگی‌هایی هستند که «کتاب» به دلیل هم‌نشینی با آن‌ها، بار معنایی مثبتی پیدا کرده است، یعنی کتابی است روشن‌نگر و آشکارکننده؛ کتابی است ثابت‌شده و جداکننده حق از باطل، کتابی است نوشته‌شده و حافظ، کتابی است مقتدر و معین و نعمتی است از جانب خداوند متعال و خداوند ضمن بیان این اوصاف، کتاب خود را برای انسان‌ها معرفی می‌نماید.

۳- در اثر هم‌نشینی شدن ۱۰ صفت با واژه «کتاب» در قرآن، این واژه در هم‌نشینی با آن‌ها دارای پنج معنای قرآن، کتب آسمانی، لوح محفوظ، نامه و اجل مقدر شده است.

۴- دسته دوم از مولفه‌های معنایی «کتاب» هم‌نشینی‌های فعلی «کتاب» هستند. بررسی هم‌نشینی‌های فعلی «کتاب» حاکی از واکنش‌ها مختلف نسبت به این واژه است که این واکنش‌ها در مؤمنان به صورت «ایمان آوردن» (بقره: ۲۸۵)؛ تمسک کردن (اعراف: ۱۷۰)؛ تلاوت کردن (بقره: ۴۴)؛ قرائت کردن (اسراء: ۷۱)؛ ظهور می‌یابد و در بین کافران در شکل کتمان کردن (بقره: ۱۷۴)؛ تکذیب کردن (غافر: ۷۰)؛ تحریف کردن (آل‌عمران: ۷۸)؛ کفر ورزیدن (نساء: ۱۳۶)؛ اختلاف کردن (فصلت: ۴۵) اتفاق می‌افتد. همچنین هم‌نشینی‌های فعلی «کتاب» نحوه انتقال کتاب از جانب خداوند به انسان را در قالب نازل شدن (آل‌عمران: ۳)؛ دادن «آتی» (انعام: ۲۰)؛ آمدن «جاء» (بقره: ۸۹) بیان می‌کنند.

۱۰. رازی، شیخ ابوالفتوح (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)؛ *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت - دمشق: دارالقلم - الدارالشامیه.
۱۲. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
۱۳. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن الحقایق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۴. صالح، صبحی (۱۳۷۲ش)، *مباحث فی علوم القرآن*، قم: منشورات الرضی.
۱۵. صفوی، کورش (۱۳۷۹ش)، *درآمدی بر معناشناسی*، تهران: انتشارات سوره مهر.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. اسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه. (۱۳۵۳ش)، *قرآن در اسلام*.
۱۸. طبرسی، فضل بن الحسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر قرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۹. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، محقق: حسین اشکوری، تهران: مرتضوی
۲۰. طوسی، محمد بن الحسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *العین*، قم: نشر هجرت.
- ۷۵، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۵، ۶۴؛ سوره نساء ۱۷۱، ۱۵۹، ۱۵۳، ۱۲۳؛ سوره مائده ۷۷، ۶۸، ۶۵، ۵۹، ۱۹، ۱۵؛ سوره عنکبوت ۴۶؛ سوره احزاب ۲۶؛ سوره حدید ۲۹؛ سوره بینه ۶، ۱؛ سوره حشر ۱۱، ۲.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش)، *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*، محقق: محمود محمد طناحی، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۴. ابن جوزی، جمال‌الدین ابوالفرج (۱۴۰۷ق)، *نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه و النظائر*، تصحیح محمد عبدالکریم الرافی، بیروت: موسسه الرساله.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، *معجم المقاییس اللغه*، تحقیق: عبدالسلام هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
۷. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، محقق: علی هلالی و علی سیری، بیروت: دارالفکر.
۸. دامغانی، حسین بن محمود (۱۹۷۷م)، *قاموس القرآن و اصلاح الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم*، بیروت: دار العلم للملایین.
۹. رازی، فخرالدین (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۷. میبدی، احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱ش)،
کشف الاسرار و عده الابرار، محقق: علی اصغر
حکمت: تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۸. نیشابوری، اسماعیل بن احمد (۱۳۸۰ش)،
وجوه القرآن، تصحیح و تحقیق: دکتر نجف
عرشی، مشهد: بنیاد پژوهش اسلامی.
۲۹. یول، جورج (۱۳۸۵ش)، بررسی زبان، مترجم:
علی بهرامی، بی‌جا: انتشارات رهنما.

۲۳. فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر
فی غریب الشرح الكبير، قم: موسسه دارالهجره.
۲۴. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن،
تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی
کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه،
تهران: دارالکتب الإسلامیه.

لفظة الكتاب من منظور علم الدلالة والعلاقات السياقية

سيد مهدي لطفی*

سمانه ميرسعيدی**

الملخص

لفظة «الكتاب» من أهم ألفاظ قرآنية دارسها العلماء منذ زمن قديم؛ قد تكررت هذه اللفظة ٢٣١ مرة إلى جانب ألفاظ أخرى كالقرآن والحق والإمام والحكمة في محور العلاقات السياقية. إن لحضور هذه اللفظة في القرآن وعلاقتها مع الألفاظ الأخرى سببا لأهميتها في القرآن وطبعا ضرورة درساتها من جانب الدارسين. نظرا إلى فائدة منهج علم الدلالة في تبين المعاني القرآنية وبناء على فعالية محاور العلاقات السياقية، فيمكننا معالجة معاني الكتاب في النص القرآني بشكل مقنع. من أهم ما توصلت إليه هذه الدراسة هو أن للكتاب في العلائق السياقية ثلاث حالات فتارة يندرج في سياق وصفي وتارة في سياق فعلي وتارة في سياق اسمي؛ فيتسخرج من علاقة الكتاب بألفاظ مثل منير، مبین، مسطور، كريم، عزيز، معلوم، مصدق، مكنون، حكيم و حفيظ، في المحور السياقي الوصفي، خمسة من أسماء القرآن هي: القرآن، الكتاب السماوي، اللوح المحفوظ، الكتاب والأجل المقدر، هذا وينتج من علائق الكتاب مع ثلاث عشرة فعلا، أربعة أسماء قرآنية هي القرآن والكتاب السماوي والتوراة وكتاب الأعمال؛ يتعلق الكتاب ببعض الأسماء مثل الأم، والأهل، والإمام والرحمة والتفصيل، ويبين بوضوح أن له في السياق الاسمي خمسة معان هي: الكتاب السماوي، اللوح المحفوظ، آيات محكمة، التوراة والقرآن. بناء على ما ذكرنا، تهدف هذه الدراسة إلى تبين معاني الكتاب في السياق القرآني.

الكلمات الدلالية: القرآن الكريم، الكتاب، علم الدلالة، العلائق السياقية، علائق الكتاب السياقية.

* الأستاذ المساعد، بقسم علوم القرآن والحديث، جامعة أصفهان، أصفهان، إيران (كاتب مسؤول) m.lotfi@ltr.ui.ac.ir

s.mirsaeedi@gmail.com

** ماجستير في علوم القرآن والحديث، جامعة أصفهان، أصفهان، إيران